

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۱

شناسایی و اولویت‌بندی موانع بروز خلاقیت

دانشجویان دانشگاه پیام نور مشهد

مریم ادیب‌زاده^۱، میثم چگین^{۲*}، حسین مهدی رکن‌آبادی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی موانع بروز خلاقیت انجام شده است. به منظور شناسایی موانع بروز خلاقیت در دانشگاه پیام نور، اولویت‌گذاری موانع خلاقیت از مرحله ایده‌سازی تا حصول نتیجه، مورد کنکاش و بررسی و سپس در مرحله دوم مورد رتبه‌بندی قرار گرفت. روش تحقیق آمیخته بوده و با توجه به فضای تحقیق و خلق مدلی بومی برای ایجاد مانع‌زدایی در محیط دانشگاهی از رویکرد کمی و کیفی استفاده شد. در بخش کیفی از نمونه‌گیری غیر تصادفی و قضاوتی و به طور مشخص نمونه‌گیری گلوله برفی هدفمند استفاده شد. در بخش کمی این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه مکشوفه تحقیق که مشتمل بر ۲۴ مؤلفه تحقیق بوده استفاده شده که با طیف ۵ گزینه ای لیکرت تنظیم و مورد استفاده قرار گردید. ابزار دیگر این پژوهش، مصاحبه از نوع نیمه ساختار یافته است که از تمامی افراد، سؤال‌های مشابه پرسیده شد که پس از رمزگردانی و طبقه‌بندی پاسخ‌ها، تعداد ۲۴ مؤلفه اساسی شناسایی شد و طی دو گام پس از امتیازگذاری گروه خبرگان، در نهایت ۱۶ مؤلفه نهایی به عنوان موانع بروز خلاقیت دانشجویان دانشگاه پیام نور تعیین گردید. علاوه بر کشف عوامل بومی در مانع‌زایی و عوامل کاهش خلاقیت، راهکارهایی مناسب برای مدیران و مسئولان شناسایی گردید. در این تحقیق عدم جذب افراد خلاق در مراکز دانش‌بنیان در رتبه اول پژوهش قرار گرفته و در رتبه دوم عدم حمایت از افراد خلاق در ایجاد استارت‌آپ‌ها به عنوان مانع بروز خلاقیت جای گرفته است.

کلیدواژگان: خلاقیت، موانع خلاقیت، ایده پردازی

۱. گروه مدیریت دولتی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه خط مشی و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران،

تهران، ایران (مسئول مکاتبات) Chegin@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

تاریخ حیات انسان، تمایل ذاتی او به تغییر و ابداع از یک سو و رویارویی با تنگناها و نیازهای روزافزون زندگی از سوی دیگر، به تدریج او را با نیروی خلاقیت درونش آشنا و مأنوس کرده است (تیلور و باربوت، ۲۰۲۲). نیروی پویا که زندگی وی را به سرعت به سوی توسعه و تکامل به حرکت در آورد و سرمنشأ شاهکارها، ابداعات و اختراعات شد. عصر کنونی، عصری است که انطباق با تغییرات به معنای واقعی آن و همگامی و همراهی با این تغییرات از خصوصیات بارز این دوره است (سانلی و همکاران، ۲۰۱۹)؛ به طوری که ضرورت حیات مؤسسات، شرکت‌ها، سازمان‌ها و شکل‌های مختلف در سطح جهان نیز این همراهی و انعطاف‌پذیری را طلب می‌نماید و مؤسسات آموزش محور محور همانند دانشگاه‌ها برای حفظ بقای خود در چنین محیطی، ملزم به پذیرش و استقبال از آن هستند (عباسی نژاد، ۱۳۹۸). برای اینکه بتوان در دنیای متلاطم و متغیر امروز حیات را ادامه داد، باید به نوآوری و خلاقیت روی آورد و ضمن شناخت تغییرات و تحولات محیط برای رویارویی با آن‌ها پاسخ بدیع و تازه تدارک دید و همواره با تأثیرپذیری از این تحولات بر آن‌ها تأثیر نهاد و بدان شکل دلخواه داد (سوودن و همکاران، ۲۰۱۵). در مورد خلاقیت، تعاریف متعددی ارائه شده است که از آن جمله می‌توان گفت که خلاقیت به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای یک فکر یا مفهوم جدید است (الیسوندو و همکاران، ۲۰۲۲). خلاقیت، عبارت است از فرایند توسعه ایده‌های جدید و سودمند که می‌توان در عمل مورد استفاده قرار بگیرند (هاتلند و همکاران، ۲۰۱۵). به بیان دیگر خلاقیت به معنی توانایی و قدرت ارائه نظرها و فکرهای جدید می‌باشد و پیش‌نیاز نوآوری است؛ در نتیجه، کارکنان و مدیران خلاق در سازمان منبع جوشش و پویایی هستند. بدون تردید سازمان‌های امروزی با تحولات و تهدیدات گسترده بین‌المللی مواجه‌اند و برای اینکه بتوانند در دنیای متلاطم امروز به حیات خود ادامه دهند باید به خلاقیت روی آورده، ضمن شناخت تغییرات بر آن‌ها تأثیر نهاده و به شکل دلخواه درآورند (گراوسکی و کارووسکی، ۲۰۱۳).

تحقیقات زیادی انجام نشده است که اهمیت فعالیت‌های خلاقانه دانشجویان در دانشگاه را تحلیل کند، حتی اگر مشخص شده باشد که خلاقیت وضعیت کلی مجموعه را ارتقاء و بهبود می‌بخشد، باز هم نیاز به تعامل و بررسی‌های بیشتر وجود خواهد داشت (برتون و همکاران، ۱۹۹۹؛ چامارو پزو مونیکی و همکاران، ۲۰۰۹؛ مارکیو و همکاران، ۲۰۱۹؛ سوله و همکاران، ۲۰۲۰). برای دانشجویان، رشد خلاقیت بسیار مهم است، نه تنها به این دلیل این که دانشجویان فرصت توسعه شایستگی را در تمرینات آینده خود خواهند داشت، بلکه به این دلیل که خلاقیت یک شایستگی کلیدی در سیستم دانشگاهی است (مارکیو و همکاران، ۲۰۱۸). در میان شایستگی‌هایی گنجانده شده، دانشجویانی که در مقاطع کارشناسی ارشد به بالا و در دوره‌های مختلف تحصیلی و برای دستیابی به تحصیلات عالیه تلاش می‌کنند در سطح بالاتری از خلاقیت آموزش داده می‌شوند و به طور مشابه نتایجی بهتری هم از آن‌ها انتظار می‌رود (لوپز و مناسوبرونکائو، ۲۰۲۳). یکی از متغیرهایی که می‌تواند به طور مثبت با رشد خلاق مرتبط باشد، عزت نفس، موضوع مطالعه بوده است (کانتر و همکاران، ۲۰۱۶؛ دنگ و ژانگ، ۲۰۱۱؛ گلداسمیت و ماترلی، ۲۰۱۲؛ استرنبرگ، ۲۰۰۵). موانع از جمله متغیرهایی هستند که ممکن است در پیشرفت دانشجویان اختلال ایجاد کنند. از این رو پژوهش حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد. هدف اصلی ما آشنایی با نقش مشارکت قبلی در فعالیت‌های هنری در رشد خلاقیت، عزت نفس و موانع خلاقیت دانشجویان بوده است.

رابطه بین خلاقیت و مشارکت در اوقات فراغت یا فعالیت‌های هنری انجام شده در زمینه‌های آموزشی در جمعیت‌های سنین مختلف مشاهده شده است (آلفونسو بنلیور و همکاران، ۲۰۲۱؛ کوتر و همکاران، ۲۰۱۶؛ الیسوندو و همکاران، ۲۰۲۲). از جمله جنبه‌های دیگر تقویت خلاقیت توسعه اعتماد به نفس و عزت نفس در بین دانشجویان است (بارنز، ۲۰۱۵؛ هالام و همکاران، ۲۰۲۲؛ هتلند و برندو، ۲۰۰۴). افرادی که نگرش بازتری نسبت به این شیوه‌ها دارند، ظرفیت تخیل بیشتری دارند و تمایل بیشتری به تفکر واگرا دارند که تولید

ایده‌ها را تسهیل می‌کند (اوزگا و کودو، ۲۰۲۲). آن‌ها در تولید راه‌حل‌های خلاقانه، از جمله در دنیای طراحی و کسب و کار و یادگیری بهبود یافته در زمینه‌هایی مانند ریاضیات و علوم، توانایی بیشتری از خود نشان دادند؛ که بیان‌گر این است که دانشجویانی که بیشتر هنرهای تجسمی و ایرویک، هنرهای تجسمی، عکاسی، ویدئو یا ارتباطات بوده‌اند، عملکرد بهتری نسبت به سایر دانشجویان داشته‌اند (ملزکیو و همکاران، ۲۰۱۹). در این راستا، کوربالان و لیمینانا گراس (۲۰۱۰) نشان دادند که دانشجویانی که فعالیت‌های هنری، فرهنگی و اجتماعی را توسعه دادند، نمرات بالاتری در خلاقیت کسب کردند، در حالی که دانشجویان هنرهای تجسمی ظرفیت بیشتری برای بسط تصویری دارند که با تخیل و تفصیل جزئیات بیان شده در ارتباط است. شکل نقاشی‌ها (دیوید و همکاران، ۲۰۱۴).

در میان سایر مهارت‌ها (غفاری، ۲۰۱۵)، ارتقای اعتماد به نفس و توانایی ریسک‌کردن (دیوید و همکاران، ۲۰۱۴؛ گیسون، ۲۰۱۰) و احساس رضایت و انگیزه بیشتر (جکسون، ۲۰۰۶). خلاق بودن شامل تولید ایده‌های جدید و مفید مرتبط با محصولات، رویه‌ها و فرآیندها است که اولین گام نوآوری را تشکیل می‌دهد زیرا شامل دو عنصر اساسی است: تازگی و اصالت. رانکو و جیگر، ۲۰۱۲. با فرض اینکه خلاقیت را می‌توان از طریق یادگیری توسعه داد (آمایله، ۲۰۱۹) و همه انسان‌ها با ظرفیت‌های معمولی می‌توانند حداقل به طور متوسط کار خلاقانه تولید کنند. طبق نظریه تلاقی خلاقیت، شش منبع برای تحقق خلاقیت مورد نیاز است: هوش، دانش، سبک‌های فکری، شخصیت، انگیزه و محیط (لوپز و مئاسوبرونکائو، ۲۰۲۳).

پنج منبع اول شخص محور هستند، در حالی که آخرین منبع زمینه محور است (استرنبرگ و لوبارت، ۱۹۹۶). یک فرد ممکن است تمام منابع درونی لازم برای تفکر خلاق را داشته باشد، اما بدون محیطی که از ایده‌های خلاقانه او حمایت می‌کند و به آن‌ها پاداش می‌دهد، خلاقیت او ممکن است خود را نشان ندهد. این حمایت را می‌توان با کمک به بیداری ایده‌های خلاقانه، حمایت از این ایده‌ها و فراهم آوردن زمینه‌ای برای ارزیابی و بهبود

آن‌ها انجام داد. با این حال، محیط‌ها اغلب به طور کامل برای استفاده از خلاقیت مساعد نیستند (ژانگ و استرنبرگ، ۲۰۱۱)، علی‌رغم اتفاق نظر در مورد نیاز به توجه به آن توجهی که شایسته آن است (آلنکار و همکاران، ۲۰۱۷؛ بادگر، ۲۰۱۹)، به دلیل ارزشی که برای آینده شخصی و توسعه اجتماعی دانشجویان دارد (فرناندز- دیاز و همکاران، ۲۰۲۱) برای انطباق با شرایط در حال تغییر و در عین حال حفظ نگرش خلاقیت محور در مواجهه با شکست تغییرات ضروری است (لوپز و مئاسوبرونکائو، ۲۰۲۳).

سطوح مشابهی از خلاقیت کلی در بین مردان و زنان یافت شده است (چاریتون و همکاران، ۲۰۰۸)، اگرچه یافته‌های تحقیق قطعی نیست (آبراهام، ۲۰۱۶؛ بائر و کافمن، ۲۰۰۸؛ ناکانو و همکاران، ۲۰۲۱؛ پاگنانی و همکاران، ۲۰۱۱؛ رانکو و جیگر، ۲۰۱۲؛ تیلور و باربات، ۲۰۲۱) اما تأکید شده است که انسان‌ها رشد خلاقانه مشابهی را در دوران تحصیل حفظ می‌کنند، با تفاوت‌هایی که در جوانی ظاهر می‌شوند و در بزرگسالی آشکار می‌شوند (آبراهام، ۲۰۱۶). در دختران فرصت کمتری برای ابراز خلاقیت نسبت به پسران داشته‌اند، اگرچه آن‌ها بیشتر درگیر کارهای خلاقانه مبتنی بر دروس دانشگاهی بودند. در فعالیت‌های خلاقانه (گراوسکی و کارووسکی، ۲۰۱۳)، پسران بیشتر درگیر فعالیت‌های خلاقانه علمی بودند. به این معنا که زنان بیشتر در زمینه هنر و صنایع دستی به انجام فعالیت‌های هنری می‌پرداختند، در حالی که مردان در علم و فناوری نمرات بالاتری در فعالیت‌های بیان بدنی، هنر و طراحی در مورد اول یافت شده است (لوپز و مئاسوبرونکائو، ۲۰۲۳). بدون در نظر گرفتن جنسیت دانشجویان، شکی نیست که توانایی نوآوری، ایجاد و سازگاری با محیط، ویژگی‌هایی است که بازار کار اقتضا می‌کند (پاورس، ۲۰۱۸).

در این زمینه، مؤسسات آموزش عالی با تشویق دانشجویان دانشگاه نه تنها به کسب دانش و مهارت، بلکه همچنین توانایی سازگاری با تغییرات کارآمدتر، نقش مهمی ایفا می‌کنند (دیوید و همکاران، ۲۰۱۴؛ نوردین و مالیک، ۲۰۱۵)؛ بنابراین پیشنهاد شده است که دانشجویان باید در فعالیت‌های خلاقانه و پژوهشی به‌منظور بهبود کیفیت آموزش شرکت

کنند (باکلی و کونوموس، ۲۰۱۰؛ گیسون، ۲۰۱۰؛ یورگنسن و همکاران، ۲۰۱۱؛ جول و بوخ، ۲۰۱۹؛ سانلی و همکاران... ۲۰۱۹)، زیرا رابطه بین عملکرد تحصیلی و خلاقیت در میان دلایل دیگر شناسایی شده است (لوپز و مئاسوبرونکائو، ۲۰۲۳). با این حال، در آموزش عالی، موانع مربوط به رشد خلاق یا موانع خلاق شناسایی شده است که دانشجویان را از دستیابی به نتایج مطلوب باز می‌دارد (هیلال و همکاران، ۲۰۱۳؛ مورایس و همکاران، ۲۰۱۴؛ تالورا و همکاران، ۲۰۱۵). این موانع خلاق به دلیل پیچیدگی و تنوع آن‌ها متضاد هستند (سادی و الدیسی، ۲۰۰۸). آدام (۲۰۰۱) بیان داشته است که تفاوت در سطح خلاقیت به عنوان دیوارهای ذهنی مانع از حل مشکلات، درک صحیح آن‌ها یا راه حل آن‌ها می‌شود. این کار دو دسته اصلی از بازدارنده‌ها را شناسایی می‌کند: موانع ساختاری که شامل موانع روانی، فرهنگی و محیطی می‌شود؛ و موانع فرآیند مربوط به سبک‌شناختی. سایر مطالعات شامل موارد زیر به عنوان رایج‌ترین موانع است: خودپنداره (هیلال و همکاران، ۲۰۱۳؛ نوردین و مالیک، ۲۰۱۵؛ وانگ و وانگ، ۲۰۱۶). نیاز به انطباق؛ موارد مربوط به ظرفیت انتزاعی و مسائل زیست‌محیطی (هلال و همکاران، ۲۰۱۳). یا موارد مرتبط با ریسک‌پذیری (نوردین و مالیک، ۲۰۱۵). اگرچه تحقیقات زیادی به این موارد به طور عمیق پرداخته نشده است، برخی از مطالعات نتیجه می‌گیرند که شناسایی موانع خلاقیت دانشجویان به اندازه تشویق خلاقیت مهم است (هیلال و همکاران، ۲۰۱۳؛ کازرونیان و فولی، ۲۰۰۷). یکی از اشکالات مطالعه این موضوع به کمبود ابزار برای ارزیابی آن مربوط می‌شود، با توجه به اینکه اکثر ابزارهای موجود بر تعیین موانع در دنیای کار تمرکز کرده‌اند (لوپز و مئاسوبرونکائو، ۲۰۲۳). اگرچه تحقیقات زیادی برای تجزیه و تحلیل این موانع خلاقانه در دانشجویان دانشگاه در آموزش انجام نشده است، اما در سایر رشته‌ها نیز موانعی در دانشجویان علوم ورزشی و تربیت‌بدنی (کنستانتینیدو و همکاران، ۲۰۱۵) و آموزش مهندسی شناسایی شده است.

درست همانطور که این موانع می‌توانند با خلاقیت تداخل داشته باشند، یک رابطه مثبت بین عزت نفس و رشد خلاق پیدا شده است (کانترو و همکاران، ۲۰۱۶؛ دنگ و

ژانگ، ۲۰۱۱؛ گلداسمیت و ماترلی، ۲۰۱۲؛ استرنبرگ، ۲۰۰۵). با این حال، فراتحلیل انجام شده توسط دنگ و ژانگ (۲۰۱۱) به این نتیجه می‌رسد که نتایج تحقیق بی‌نتیجه است، زیرا رابطه بین عزت نفس و خلاقیت تحت تأثیر جهت‌گیری تحقیق بوده است؛ یعنی زمانی که خلاقیت از نظر شخصیت یا گرایش خلاقانه فرد مورد مطالعه قرار می‌گرفت، رابطه پایدار و مثبت بود تا در زمان سنجش، از نظر پیامدها بر اساس مدل روزنبرگ (۱۹۶۵)، عزت نفس به عنوان احساس تأیید، قدردانی و احترامی است که فرد نسبت به خود احساس می‌کند که در نتیجه با باورهای شخصی در مورد توانایی‌ها، روابط اجتماعی و دستاوردهای خود مرتبط است (لوپز و مناسوبرونکانو، ۲۰۲۳). افراد با عزت نفس بالا توانایی بیشتری در انجام هر کار یا فعالیتی دارند، کمتر از ابراز عقاید غیر از نظرات اکثریت می‌ترسند و در به اشتراک گذاشتن ایده‌های خلاقانه سهولت بیشتری دارند (تاچر و براون، ۲۰۱۰).

به همین ترتیب، عزت نفس بالا به فرد اجازه می‌دهد تا سطوح بالایی از انگیزه درونی، مرتبط با خلاقیت را حفظ کند و انگیزه بیرونی را کاهش دهد (آماییل و پیلمر، ۲۰۱۲؛ دا کوستا و همکاران، ۲۰۱۵؛ آیزنبرگر و آسلاژ، ۲۰۰۹)؛ بنابراین، در نظر گرفته می‌شود که عزت نفس به چند دلیل برای خلاقیت مفید است: می‌تواند خودتنظیمی را افزایش دهد، درک ترس و اضطراب را کاهش دهد و اهداف جدیدی را القا کند (کارور و همکاران، ۲۰۰۸؛ وانگ و وانگ، ۲۰۱۶). همچنین یک منبع روانشناختی مهم است که به عنوان یک محافظ در برابر رویدادهای استرس منفی عمل می‌کند (باومایستر و همکاران، ۲۰۰۳). همانطور که در بالا اشاره کردیم، مطالعات زیادی یافت نشده است که ارزش مشارکت در فعالیت‌های هنری را در دانشجویانی که در مقطع لیسانس در سطح آموزش عالی ثبت‌نام کرده‌اند، علیرغم اهمیت آن در رشد خلاق در طول آموزش و آینده حرفه‌ای آن‌ها، تحلیل کند. به همین ترتیب، ادبیات مزایای خلاقیت در رشد خلاقانه و وجود موانعی که ممکن است با آن تداخل داشته باشد را نشان می‌دهد. در این تحقیق سعی شده است تا با شناسایی و اولویت‌بندی موانع بروز خلاقیت در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور مشهد، علاوه

بر کشف موانع خلاقیت در بین دانشجویان، سطح خلاقیت دانشجویان را مورد سنجش قرار داد. نگرش صحیح به ایده‌های خلاقانه در بین دانشجویان فقط مربوط به ایده‌های درسی و کسب نمرات برتر در واحدهای درسی نبوده و گاهی مشاهده شده که دانشجویانی با نمرات کمتر ایده‌های خلاقانه از خود نشان داده‌اند. پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که چه عواملی همانند سدی مانع از بروز خلاقیت در بین دانشجویان می‌گردد؟ و در رتبه‌بندی کدام موانع در رتبه‌های بالاتری قرار می‌گیرند؟

لوپز و مئاسوبرونکائو (۲۰۲۳) در تحقیقی با هدف رشد خلاقیت، عزت نفس و موانع خلاقیت در دانشجویان آموزش و پرورش با توجه به مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های هنری بیان داشته‌اند که ادبیات کمی وجود دارد که به این موضوع در دانش‌آموزانی که در حال آموزش برای معلمان آینده هستند، می‌پردازد. این دلیل برای مطالعه حاضر است که بر روی دانشجویان تحصیلات دانشگاهی در دو دانشگاه دولتی واقع در شهرهای مختلف اسپانیا متمرکز است. هدف اصلی این پژوهش، کشف نقش ایفای نقش در رشد خلاق، عزت نفس و موانع خلاقیت با مشارکت قبلی در فعالیت‌های هنری بود. این مطالعه همچنین با هدف شناسایی فراوانی فعالیت‌های هنری این دانش‌آموزان و تعیین اینکه کدام فعالیت‌ها بیشتر توسط مردان و زنان انجام می‌شود، انجام شد. با توجه به کمبود ابزار اندازه‌گیری دقیق اعتبارسنجی شده برای جمعیت اسپانیایی، در این مطالعه پیشنهاد شد فهرستی از موانع خلاقیت شخصی در جمعیت اسپانیایی تأیید شود. در مجموع ۵۷۴ دانش‌آموز در اعتبارسنجی و ۲۹۱ نفر (به طور تصادفی انتخاب شدند) در مطالعه نیمه تجربی، توصیفی مقطعی بعدی شرکت کردند. برای جمع‌آوری داده‌های جمعیت‌شناختی اجتماعی، پرسشنامه موانع خلاقیت شخصی، آزمون تخیل خلاق برای بزرگسالان (PIC-A) (۲۰۱۲) و مقیاس عزت نفس روزنبرگ (۱۹۶۵) از پرسشنامه استفاده شد. اعتبار سنجی موجود شواهد متضادی از سازگاری داخلی را نشان داد. نتایج مطالعه برای تعیین تفاوت‌های مرتبط با مشارکت در فعالیت‌های هنری نشان داد که گروهی که چنین فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند، نمرات

بالاتری در خلاقیت روایی، گرافیکی (هرچند در حد اهمیت) و خلاقیت عمومی کسب کردند. تفاوت معنی‌داری بین گروه‌ها در عوامل موانع خلاقیت یا عزت نفس یافت نشد. در تحقیق آلتیاری و ماسارا (۱۹۹۳) آن‌ها به این نتیجه رسیدند که برای تغییر همه‌جانبه در روستاهای آمریکای لاتین و توانمندسازی جوامع محلی، کاهش فقر، حفاظت از منابع طبیعی، تأمین غذای کافی و دستیابی به خودکفایی غذایی و در یک کلمه برای دستیابی به توسعه پایدار باید از راهبرد پایین به بالا استفاده کرد تا مشکلات خرد و کلان منطقه تا حدودی کاهش یابد. کناپ و چاکرابورتی (۲۰۰۷)، در برنامه‌ریزی جامع برای توسعه پایدار روستایی، به این نتیجه رسیدند. آن‌ها دریافتند که با تکیه بر برنامه‌های استراتژیک برای استفاده از زمین، قوانین حمایت از کشاورزان، قوانین مربوط به مالیات، مدیریت رشد مادر شهرها، توسعه شهرهای کوچک و در نهایت مدیریت توسعه اقتصادی روستایی می‌تواند به توسعه پایدار روستایی منجر شود. در تحقیق پاشاکارنيس و مالین (۲۰۱۰)، آن‌ها تثبیت زمین را به عنوان یک ابزار ضروری برای توسعه پایدار مناطق روستایی در لیتوانی بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که تثبیت زمین منجر به بهبود تولید کشاورزی و اشتغال، سیاست‌های مالیاتی و قوانین حمایتی می‌شود. از حقوق مالکیت زمان در چارچوب ملاحظات زیست‌محیطی و پایداری خواهد بود.

رایان جانسون (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان سوگیری در نقاط تصمیم‌گیری خلاقانه بیان داشت که سازمان‌ها ممکن است در نوآوری شکست بخورند زیرا گیرندگان نسبت به پذیرش ایده‌های خلاقانه تعصب نشان می‌دهند. این مقاله به بررسی بسیاری از عوامل انگیزشی، شناختی و عاطفی می‌پردازد که می‌توانند باعث شوند گیرنده‌ها مانع فرآیند خلاقیت-نوآوری شوند. به طور خاص، گیرندگان ممکن است درگیر استدلال انگیزشی و شک و تردید علیه ایده‌های خلاقانه باشند، با موانعی برای شناخت ارزش خلاقانه مواجه شوند و در هنگام دریافت ایده‌های خلاقانه، تأثیر منفی را تجربه کنند. هر نقطه تصمیم‌گیری خلاقانه در طول فرآیند خلاقیت-نوآوری فرصتی برای سوگیری است تا پیشرفت را از مسیر

خارج کند. این به توضیح اینکه چرا نوآوری می‌تواند بسیار دشوار باشد کمک می‌کند. درک سوگیری‌هایی که مانع فرآیند خلاقیت- نوآوری می‌شوند به افراد و سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا برای کاهش آن‌ها اقدام کنند.

رحمانی و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقی با هدف بررسی رابطه موانع شخصی خلاقیت و میزان خلاقیت مریبان مقطع پیش‌دبستانی شهر مشهد این گونه یافتند، پیش‌بینی موانع شخصی خلاقیت در میزان خلاقیت مریبان پیش از دبستان صورت گرفت. روش مطالعه، همبستگی و جامعه آماری شامل تمامی مریبان مشغول به آموزش در مهدکودک‌های شهر مشهد در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ بودند (۱۸۰۰ نفر) که تعداد ۳۱۷ نفر با استفاده از جدول کرجسی و مورگان و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و پرسش‌نامه‌های خلاقیت تورنس ۱۹۷۴ و موانع شخصی خلاقیت فیر ۱۹۹۰ را تکمیل کردند. داده‌های پژوهش با آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه و تی‌تک نمونه‌ای تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد بین میزان خلاقیت مریبان با موانع شخصی خلاقیت رابطه منفی و معناداری وجود داشت. موانع شخصی خلاقیت قادر به پیش‌بینی خلاقیت مریبان بودند. وضعیت خلاقیت مریبان در حد مطلوبی نبود؛ بنابراین با عنایت به یافته پژوهش و اهمیت خلاقیت مریبان در دوره پیش از دبستان، از میان برداشتن موانع شخصی خلاقیت برای مریبان توصیه می‌گردد.

همچنین در این راستا پژوهشی توسط محمدی در سال ۱۴۰۲ با هدف شناسایی موانع توسعه خلاقیت از دیدگاه دانشجویان دانشگاه لرستان انجام شد. جامعه آماری آن شامل تمامی دانشجویان دانشکده مدیریت بود که نمونه‌ای به حجم ۱۸۰ نفر از دانشجویان انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است که روایی آن با کسب نظر استادان دانشگاه تأیید شد و پایایی آن نیز بر پایه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ به دست آمد. بر اساس نتایج این پژوهش موانع خلاقیت از دیدگاه دانشجویان به ترتیب موانع مرتبط با

محیط فیزیکی، موانع ارتباط با اعتماد به نفس و ریسک‌پذیری، موانع مرتبط برای استفاده از تجزیه و تحلیل نظام یافته و موانع مرتبط با موفقیت کاری شناسایی شدند.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش پژوهش آمیخته استفاده شده است. آزمودنی‌ها در پژوهش کیفی، موانع بروز خلاقیت در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور مشهد هستند با توجه به اینکه یکی از معیارهای اصلی بخش‌بندی جامعه آماری، بخش‌بندی جغرافیایی است مشهد به عنوان قلمرو مکانی انتخاب شده است تا مصاحبه عمیق از خبرگان دانشگاه پیام نور مشهد انجام شود. روش نمونه‌گیری بخش کیفی از نوع نمونه‌گیری غیر تصادفی و قضاوتی و به طور مشخص نمونه‌گیری گلوله برفی هدفمند بوده است. آن چیزی که در تعیین حجم نمونه در پژوهش کیفی نقش تعیین‌کننده دارد اصل اشباع است؛ یعنی پژوهشگر جمع‌آوری داده‌ها را تا جایی ادامه می‌دهد که امکان دسترسی به مقوله‌ها و موضوع‌های جدید وجود داشته باشد و زمانی که به اشباع داده‌ها برسد به افزایش تعداد افراد نمونه نیازی ندارد در مجموع پژوهشگر توانست با ۲۸ نفر مصاحبه کند؛ که شرح اعضای مصاحبه‌شونده در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. وضعیت گروه خبرگان تحقیق

عوامل جمعیت‌شناختی	تقسیم‌بندی	تعداد
پست سازمانی	اعضای هیئت علمی دانشگاه پیام نور مشهد	۱۸
	مدیران ارشد دانشگاه پیام نور مشهد	۶
	اساتید دانشگاهی	۴
سن	کمتر از ۳۰ سال	۷
	۳۰ تا ۴۰ سال	۸
	۴۱ تا ۵۰ سال	۱۱
	بیشتر از ۵۰ سال	۲
تحصیلات	کارشناس ارشد	۹
	دکتری و معادل آن	۱۹

عوامل جمعیت‌شناختی	تقسیم‌بندی	تعداد
سابقه کار	کمتر از ۵ سال	۷
	۵ تا ۱۵ سال	۷
	۱۶ تا ۲۵ سال	۱۲
	بیشتر از ۲۶ سال	۲

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش و در بخش کیفی مصاحبه از نوع نیمه ساختار یافته است که به آن مصاحبه عمیق هم می‌گویند؛ زیرا از تمامی افراد سؤال‌های مشابه پرسیده می‌شود؛ ولی آن‌ها آزادند که به هر طریقی که مایل‌اند پاسخ دهند در این میان، رمزگردانی و طبقه‌بندی پاسخ‌ها بر عهده پژوهشگر است برای انجام مصاحبه عمیق، خبرگان دانشگاه پیام نور مشهد و بازاریابی فرم مصاحبه‌ای را طراحی کردند. بعد از انجام مصاحبه تمام صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان به متن نوشتاری درآمد. در نهایت با کدگذاری باز و کدگذاری متمرکز شاخص‌های اولیه موانع بروز خلاقیٔ در بین دانشجویان به شرح زیر استخراج شد.

۱. مشاوره با افراد غیرمتخصص و اساتیدی که تجربه و اطلاعات لازم را ندارند.
۲. عدم چاپ کتاب و مقاله‌های تخصصی در نشریات معتبر.
۳. عدم داشتن رزومه کاری و تحصیلی مناسب.
۴. عدم حضور در جشنواره‌ها و همایش‌های علمی.
۵. عدم تشریح اهمیت خلاقیٔ در بین دانشجویان.
۶. عدم برگزاری سمینارهای آموزشی برای ترویج خلاقیٔ و ایده‌سازی.
۷. عدم برگزاری هم‌اندیشی و توسعه دانش دانش با تیم‌های کاری.
۸. عدم قیمت‌گذاری برای دانش خلاق و ارج نهادن به ایده پردازی.
۹. عدم ارائه خدمات متنوع و باکیفیت به افراد خلاق.
۱۰. عدم همکاری با پارک‌های علم و فناوری.

۱۱. عدم همکاری مستمر بین دانشگاه و صنعت.
 ۱۲. عدم تعامل با سایر دانشگاه‌های علمی در سطح دنیا.
 ۱۳. عدم کمک به دانشجویان خلاق برای حل مشکلات آن‌ها.
 ۱۴. عدم شبکه‌سازی برای رونق خلاقیت.
 ۱۵. عدم وجود ایده‌های نوین که دارای مزیت رقابتی باشند.
 ۱۶. عدم گزارش مستمر و دائمی از میزان خلاقیت‌های ارائه شده تا حصول نتیجه.
 ۱۷. عدم انتقال ایده‌ها از مرحله بالقوه به بالفعل.
 ۱۸. عدم کمک به تأسیس افراد خلاق در ایجاد استارت‌آپ‌ها.
 ۱۹. عدم جذب افراد خلاق در مراکز دانش‌بنیان.
 ۲۰. ارائه بندهای گزارش نامرتبط به بهانه تداوم کار.
 ۲۱. عدم قرارگیری در فهرست شورای عالی نخبگان.
 ۲۲. عدم ثبت توانمندی‌ها افراد خلاق در هیئت‌های علمی.
 ۲۳. عدم تحقیق کافی درباره نیازهای دانشجویان دارای تفکر خلاق.
 ۲۴. عدم رضایت‌سازی نیروهای خلاق برای حضور دائمی آن‌ها در کشور.
- در بخش کمی این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه مکشوفه تحقیق که مشتمل بر ۲۴ مؤلفه تحقیق بوده استفاده شده که با طیف ۵ گزینه لیکرت تنظیم و مورد استفاده قرار گردید. با توجه به اینکه تعداد دانشجویان دانشگاه پیام نور مشهد در خرداد ۱۴۰۲ بالغ بر ۲۲۰۰۰ نفر بوده که به استناد فرمول شماره ۱ محاسبه و ۳۷۸ نفر به صورت تصادفی ساده در این آزمون مشارکت داده شدند.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]} \quad \text{فرمول (۱)}$$

اعتبار و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها

اعتبار محتوا: پس از به دست آوردن گزینه‌های ابتدایی بر اساس نتایج پژوهش کیفی سنجش اعتبار محتوا با استفاده از روش اعتبار خبرگان و شاخص لاوشه در دو گام انجام شد.

گام اول انتخاب خبرگان: برای مشخص کردن، خبرگان چند ویژگی اساسی در نظر گرفته شد: افرادی که حداقل دو سال سابقه عضویت یا تدریس در دانشگاه پیام نور داشته باشند و حداقل دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته‌های مختلف دانشگاهی را داشته باشند. با توجه به چنین معیارهایی ۲۸ خبره انتخاب شد.

گام دوم شاخص لاوشه: این روش میزان توافق میان ارزیابان یا داوران را در خصوص مناسب یا اساسی بودن یک گویه خاص اندازه‌گیری می‌کند با توجه به تعداد خبرگان (۲۸ نفر) بر اساس جدول مربوط به شاخص لاوشه باید حداقل مقدار قابل قبول ۴۹ درصد باشد تا گزینه مدنظر باقی بماند در غیر این صورت گزینه از نظر خبرگان اعتبار نداشته و حذف می‌شود.

جدول ۲. مقادیر شاخص لاوشه برای شناسایی موانع بروز غفلت

گزینه	مناسب	نامناسب	CVR	گزینه	مناسب	نامناسب	CVR
۱	۱۲	۲	CVR1=81/0	۱۳	۱۴	۱	CVR13=95/0
۲	۹	۷	CVR2=20/0	۱۴	۱۱	۰	CVR14=100/0
۳	۱۴	۳	CVR3=67/0	۱۵	۱۵	۱	CVR15=95/0
۴	۱۳	۰	CVR4=100/0	۱۶	۱۲	۴	CVR16=66/0
۵	۱۵	۴	CVR5=69/0	۱۷	۱۰	۱	CVR17=95/0
۶	۱۳	۵	CVR6=63/0	۱۸	۹	۱	CVR18=89/0
۷	۸	۱	CVR7=89/0	۱۹	۱۴	۳	CVR19=71/0
۸	۱۲	۲	CVR8=81/0	۲۰	۵	۳	CVR20=21/0
۹	۹	۲	CVR9=79/0	۲۱	۱۲	۵	CVR21=55/0
۱۰	۱۵	۳	CVR10=69/0	۲۲	۱۱	۲	CVR22=80/0
۱۱	۱۱	۴	CVR11=61/0	۲۳	۱۰	۶	CVR23=42/0
۱۲	۱۳	۱	CVR12=95/0	۲۴	۹	۶	CVR24=63/0

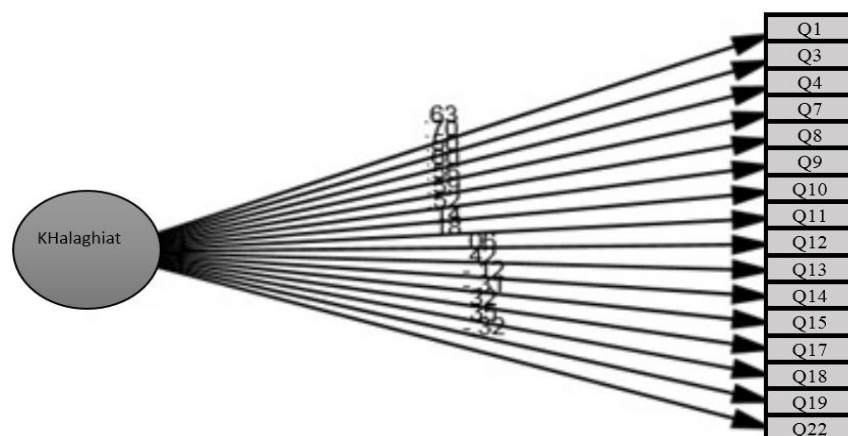
بر اساس نتایج به دست آمده که در جدول ۲ درج شده است در این مرحله ۴ گزینه از ۲۴ گزینه حذف شد. گزینه‌های حذف شده عبارت بودند از گزینه ۲ (عدم چاپ کتاب و مقاله‌های تخصصی در نشریات معتبر) گزینه ۲۰ (ارائه بندهای گزارش به منظور تداوم کار) گزینه ۲۳ (تحقیق درباره نیازهای دانشجویان دارای تفکر خلاق) و گزینه ۲۴ (رضایت سازی نیروهای خلاق برای حضور دائمی آن‌ها در کشور) از چرخه پژوهش خارج شده‌اند.

تحلیل عاملی اکتشافی برای اعتبار سازه بخش کمی

یکی از موارد مهم در تحلیل عاملی اکتشافی انتخاب روش مناسب برای استخراج عامل‌هاست در این پژوهش از روش عامل یابی محور اصلی (PAF) استفاده شده است که یکی از روش‌های بسیار رایج برای زمانی است که متغیرهای پژوهش متغیرهای فاصله‌ای هستند. از طرفی با توجه به اینکه هدف تحلیل عاملی تبیین و توجیه همبستگی‌های مشاهده شده است باید از روش‌های چرخش یافته استفاده کرد. در حقیقت چرخش عامل‌ها به معنای تحول ساختار عاملی به ساختار ساده از بار عاملی است که تفسیر این ساختار به منظور سهولت بیشتر انجام می‌گیرد در این پژوهش از روش واریماکس استفاده شد که کایزر آن را توسعه داده است. در ابتدا باید تصفیه گوینه‌ها انجام شود که بدین منظور از همبستگی کلی گزینه اصلاح شده (CITC) استفاده شده است. در صورتی که مقدار گزینه‌ها کمتر از ۳۰ درصد باشد باید از تحلیل حذف شوند؛ چون نتایج تحلیل عاملی را مخدوش کنند. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول، از موانع بروز خلاقیت در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور مشهد، چهار گزینه حذف شدند. گزینه‌های حذف شده عبارت بودند از: گزینه ۲ (عدم چاپ کتاب و مقاله‌های تخصصی در نشریات معتبر)، گزینه ۲۰ (ارائه بندهای گزارش به منظور تداوم کار)، گزینه ۲۳ (تحقیق درباره نیازهای دانشجویان دارای تفکر خلاق) و گزینه ۲۴ (رضایت سازی نیروهای خلاق برای حضور دائمی آن‌ها در کشور). در نتیجه ۲۰ گزینه باقی می‌ماند. در جدول ۳ مقادیر CITC به منظور تصفیه گوینه‌ها بیان شده است.

جدول ۳. مقادیر CITC به منظور تصفیه گزینه‌ها

گزینه	مناسب	نامناسب	CVR	گزینه	مناسب	نامناسب	CVR
۱	۱۲	۲	CVR1=81/0	۱۳	۱۴	۱	CVR13=95/0
۲	۹	۷	CVR2=20/0	۱۴	۱۱	۰	CVR14=100/0
۳	۱۴	۳	CVR3=67/0	۱۵	۱۵	۱	CVR15=95/0
۴	۱۳	۰	CVR4=100/0	۱۶	۱۲	۴	CVR16=66/0
۵	۱۵	۴	CVR5=69/0	۱۷	۱۰	۱	CVR17=95/0
۶	۱۳	۵	CVR6=63/0	۱۸	۹	۱	CVR18=89/0
۷	۸	۱	CVR7=89/0	۱۹	۱۴	۳	CVR19=71/0
۸	۱۲	۲	CVR8=81/0	۲۰	۵	۳	CVR20=21/0
۹	۹	۲	CVR9=79/0	۲۱	۱۲	۵	CVR21=55/0
۱۰	۱۵	۳	CVR10=69/0	۲۲	۱۱	۲	CVR22=80/0
۱۱	۱۱	۴	CVR11=61/0	۲۳	۱۰	۶	CVR23=42/0
۱۲	۱۳	۱	CVR12=95/0	۲۴	۹	۶	CVR24=63/0



شکل ۱. نمودار خروجی نرم افزار در موانع بروز خلاقیت

تحلیل عاملی اکتشافی برای موانع بروز خلاقیت در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور مشهد نشان می‌دهد که تمام بارهای عاملی در حد قابل قبول نیستند، از این رو، شش گزینه دیگر حذف شدند گزینه ۵ (تشریح اهمیت خلاقیت در بین دانشجویان) گزینه ۶ (برگزاری

سمینارهای آموزشی برای ترویج خلاقیت و ایده سازی)، گزینه ۱۶ (گزارش مستمر و دائمی از میزان خلاقیت‌های ارائه شده تا حصول نتیجه) و گزینه ۲۱ (قرار گرفتن در فهرست شورای عالی نخبگان) و در نهایت ۴ گزینه دیگر حذف و در نهایت ۱۶ گزینه دیگر باقی مانده است؛ که به عنوان موانع بروز خلاقیت در بین دانشجویان شناخته شدند:

۱. مشاوره با افراد غیرمتخصص و اساتیدی که تجربه و اطلاعات لازم را ندارند.
۲. عدم داشتن رزومه کاری و تحصیلی مناسب.
۳. عدم حضور در جشنواره‌ها و همایش‌های علمی
۴. عدم برگزاری هم‌اندیشی و توسعه دانش دانش با تیم‌های کاری.
۵. عدم قیمت‌گذاری برای دانش خلاق و ارج نهادن به ایده پردازی.
۶. عدم ارائه خدمات متنوع و بیشتر به افراد خلاق.
۷. عدم همکاری با پارک‌های علم و فناوری.
۸. عدم همکاری مستمر بین دانشگاه و صنعت.
۹. عدم تعامل با سایر دانشگاه‌های علمی در سطح دنیا.
۱۰. عدم کمک به دانشجویان خلاق برای حل مشکلات آن‌ها.
۱۱. عدم شبکه‌سازی برای رونق خلاقیت.
۱۲. عدم وجود ایده‌های نوین که دارای مزیت رقابتی باشند.
۱۳. عدم انتقال ایده‌ها از مرحله بالقوه به بالفعل.
۱۴. عدم کمک به تأسیس افراد خلاق در ایجاد استارت‌آپ‌ها
۱۵. عدم جذب افراد خلاق در مراکز دانش‌بنیان.
۱۶. عدم ثبت توانمندی‌ها افراد خلاق در هیئت‌های علمی

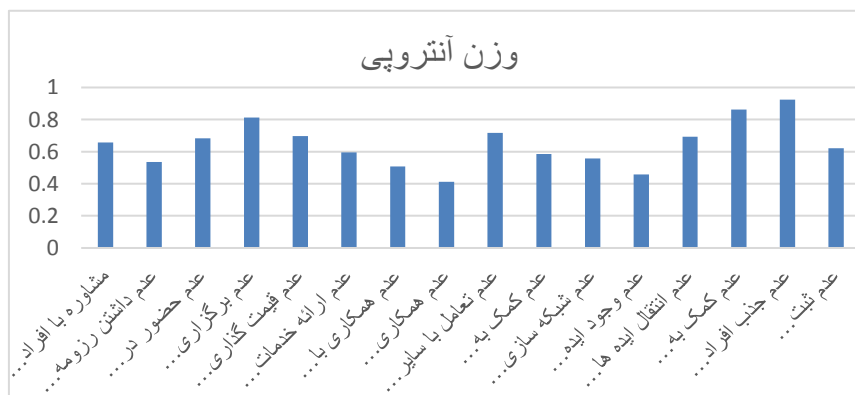


رتبه‌بندی موانع بروز خلاقیت در بین دانشجویان بر اساس تکنیک آنتروپی

در اغلب مسائل تصمیم‌گیری چند معیاره و به خصوص مسائل تصمیم‌گیری چند شاخصه داشتن و دانستن وزن‌های نسبی شاخص‌های موجود گام مؤثری در فرایند حل مسئله است در این پژوهش از روش آنتروپی شانون به عنوان یکی از روش‌های بسیار معروف محاسبه وزن شاخص‌ها استفاده شده است. جدول ۴ وزن‌های آنتروپی موانع بروز خلاقیت در بین دانشجویان و اولویت‌های آن را نشان می‌دهد.

جدول ۴. وزن‌های آنتروپی و اولویت‌ها

اولویت	وزن آنتروپی	مؤلفه مکشوفه
۸	۰/۶۵۴	مشاوره با افراد غیرمتخصص و اساتیدی که تجربه و اطلاعات لازم را ندارند.
۱۳	۰/۵۳۶	عدم داشتن رزومه کاری و تحصیلی مناسب.
۷	۰/۶۸۲	عدم حضور در جشنواره‌ها و همایش‌های علمی
۳	۰/۸۱۲	عدم برگزاری هم‌اندیشی و توسعه دانش دانش با تیم‌های کاری
۵	۰/۶۹۷	عدم قیمت‌گذاری برای دانش خلاق و ارج نهادن به ایده پردازی
۱۰	۰/۵۹۵	عدم ارائه خدمات متنوع و بیشتر به افراد خلاق.
۱۴	۰/۵۰۸	عدم همکاری با پارک‌های علم و فناوری
۱۶	۰/۴۱۱	عدم همکاری مستمر بین دانشگاه و صنعت
۴	۰/۷۱۷	عدم تعامل با سایر دانشگاه‌های علمی در سطح دنیا.
۱۱	۰/۵۸۵	عدم کمک به دانشجویان خلاق برای حل مشکلات آن‌ها
۱۲	۰/۵۵۸	عدم شبکه‌سازی برای رونق خلاقیت
۱۵	۰/۴۵۸	عدم وجود ایده‌های نوین که دارای مزیت رقابتی باشند
۶	۰/۶۹۳	عدم انتقال ایده‌ها از مرحله بالقوه به بالفعل
۲	۰/۸۶۲	عدم کمک به تأسیس افراد خلاق در ایجاد استارت‌آپ‌ها
۱	۰/۹۲۵	عدم جذب افراد خلاق در مراکز دانش‌بنیان.
۹	۰/۶۲۱	عدم ثبت توانمندی‌ها افراد خلاق در هیئت‌های علمی



شکل ۲. نمودار رتبه بندی مؤلفه های مکشوفه تحقیق

بحث و نتیجه گیری:

عصر حاضر، عصر سرعت و تحول فن آوری است؛ بنابراین برای بقا و پیشرفت و حتی برای حفظ وضع موجود باید جریانی نو و جدید در سازمان به وجود آورد و به آن تداوم داد تا از رکود و تباهی آن جلوگیری شود. با توسعه فناوری و ماشینی شدن کارها، فعالیت انسان در سازمان ها به کار فکری تبدیل شده است. برای بقا و پیشرفت و حتی برای حفظ وضع موجود باید جریانی نو و جدید در سازمان به وجود بیاید. این امر به قدری دارای اهمیت بوده است که بسیاری از محققان توجه جدی به خلاقیت را گوشزد می کنند. موفقیت سازمان های امروزی را به نسبت زیاد، متکی بر خلاقیت و نوآوری می دانند. خلاقیت در به کارگیری دانش و مهارت به روش های جدید برای دستیابی به نتایج ارزشمند می داند. به بیان دیگر خلاقیت به معنی توانایی و قدرت ارائه نظرها و فکرهای جدید می باشد و پیش نیاز نوآوری است؛ در نتیجه کارکنان و مدیران خلاق در سازمان منبع جوشش و پویایی هستند. بدون تردید سازمان های عصر حاضر با تحولات و تهدیدات گسترده بین المللی مواجه اند و برای اینکه بتوانند در دنیای متلاطم امروز به حیات خود ادامه دهند باید به خلاقیت روی آورده، ضمن شناخت تغییرات بر آنها تأثیر نهاده و به شکل دلخواه درآورند. با توجه به

تغییرات سریع، خلاقیت به عنوان اصل اساسی در بقای سازمان پذیرفته شده است. بر این اساس و با توجه به یافته‌های تحقیق توجه بیش‌ازپیش به فاکتورهای مربوط به تأسیس، تقویت مالی و علمی، اخذ مجوزهای اداری، کاهش بروکراسی اداری در مؤسسات دانش‌بنیان و فعالیت استارت‌آپ‌ها (به عنوان اولویت‌های اول و دوم در مانع‌زدایی برای افزایش خلاقیت در بین دانشجویان) می‌تواند گام‌های مؤثری در حفظ و نگهداری نیروهای خلاق دانشگاهی بردارد.

رهبر معظم انقلاب، مکرراً در بیانات خود، به اهمیت حمایت از مؤسسات علمی دانشگاهی و دانش‌بنیان اشاره داشته و از دانشجویان و مسئولین نظام خواسته‌اند تا راه کارهای لازم برای تقویت این بخش‌ها همت گمارند. ایشان با نگاهی همه‌جانبه به موضوع علم و فناوری نگرسته و موضوعاتی مانند ترسیم نقشه راه برای تحقق «تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال آفرین»، تأکید ویژه بر دانش‌بنیان شدن شرکت‌های تعطیل یا نیمه تعطیل، ارتقای کار نخبانان، تعیین ضوابط کیفی و اولویت برای توسعه شرکت‌های، نخبه پروری برای پیشرفت و حل مسائل، شناسایی اهداف دشمن در دانشگاه‌ها، لزوم افزایش همکاری دانشگاه و صنعت، توسعه علم نافع برای موضوعات راهبردی و اساسی، انتظار از نخبانان برای حل مسائل کشور، انتظار از دستگاه‌ها برای حمایت از نخبه‌ها، اصلاح شاخص ارزیابی نخبه، کارآمدی تفکر بسیجی در سنگر علم، لزوم ارتباط بین‌المللی مجموعه‌های دانشجویی، به کارگیری بانوان فرزانه در رده‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور و لزوم توسعه زبان فارسی در جهان علم در بیانات ایشان مورد تأکید قرار گرفته است؛ که با الزام قانونی و حمایت دستگاهی قانون‌گذاری و اجرایی کشور می‌تواند راهگشای بخش خلاق جامعه باشد. در این راستا به‌منظور توسعه خلاقیت دانشجویان و مانع‌زدایی می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود.

- دانشگاه‌ها نقطه آغاز ایجاد هسته‌های فناورانه و ایجاد کارآفرینی در اقتصاد دانش‌بنیان هستند. لذا برنامه‌ریزی و اجرای درست برنامه‌ها در دانشگاه‌ها نقش مهمی در

میزان موفقیت حرکت‌های کارآفرین در ادامه مسیر خواهد داشت. بدیهی است ستون همه این برنامه‌ها آموزش و پژوهش مؤثر است که این امور مستلزم جذب و حفظ اساتید باکیفیت و دسترسی به تجهیز مناسب و به‌روز در دانشگاه‌هاست.

- تورم افسارگسیخته در کشور به‌ویژه در شهرهای بزرگ و عدم امکان تأمین یک زندگی حداقلی مناسب و در شأن اساتید نه‌تنها روند جذب هیئت‌علمی نخبه به کشور را آهسته کرده بلکه بعضاً سبب مهاجرت بعضی از اساتید به‌ویژه اساتید جوان شده است. از طرف دیگر عدم دسترسی به امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی مناسب و نبود ارتباط ساختارمند با صنایع سبب شده بخش قابل توجهی از انرژی پژوهشی کشور صرف مسائلی غیر از نیازهای بازار شود.

- نگاه یکسان به دانشگاه‌ها و انتظار یکسان از آن‌ها و نحوه بودجه‌ریزی بر اساس سرانه دانشجویی بدون توجه به رسالت‌ها و قابلیت‌های دانشگاه‌ها، سبب شده دانشگاه‌هایی که مقصد استعدادها برتر کشور هستند نتوانند آن‌طور که شایسته این نخبگان است پاسخگوی نیازهای آموزشی و پژوهشی آن‌ها باشند و این خود می‌تواند سبب سرخوردگی و زمینه‌ساز مهاجرت‌های فردی نخبگان شود. بدیهی است تربیت نیروهای کارآفرین نیازمند آموزش‌های کاربردی با در نظر گرفتن رشد سریع تکنولوژی بوده و این مسئله نیازمند به‌روزرسانی روش‌های آموزشی و تجهیزات آزمایشگاهی و به عبارتی سرمایه‌گذاری‌های مداوم است.

- مبحث کارآفرینی در دانشگاه‌ها باید از یک موضوع حاشیه‌ای و تبدیل شدن به یک رشته آموزشی مستقل یا ارائه در قالب دروس اختیاری خارج شده و در متن آموزش همه گرایش‌ها قرار گیرد.

- با توجه به اینکه بخش اعظم بازار فناوری کشور که ناشی از وجود افراد خلاق بوده خود بازار بسیار کوچکی است، در دست شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی است،

پیشنهاد می‌شود دولت‌ها با ایجاد بسترهای لازم امکان توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان توسط افراد خلاق را به وجود آورند.

- پیچیدگی و سختی بازارهای داخلی به گونه‌ای است که برای بعضی از افراد خلاق که دارای ایده‌های بسیار سازنده هستند، عرضه محصولاتشان در بازارهای خارجی آسان‌تر است تا عرضه آن به بازارهای داخلی. متأسفانه قوانین حاکم بر این شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی به گونه‌ای است که تأمین تجهیزات از طریق شرکت‌های خارجی بسیار هموارتر و ساده‌تر است در مقایسه با خرید از سازندگان داخلی است به همین منظور پیشنهاد می‌گردد بوروکراسی حاکم بر رویه‌های بازارهای داخلی کمتر شده با تصویب قوانین ساده و شفاف به افراد خلاق در این زمینه کمک شود.

- عدم دسترسی افراد خلاق و ایده پرداز به آزمایشگاه‌ها، منابع علمی روز جهان، مرجع جهت صدور مجوزهای لازم از یک طرف و نبود روحیه ریسک‌پذیری در سمت بازار داخل به‌ویژه در حوزه‌های فناوری با تکنولوژی‌های بالا عملاً بسیاری از شرکت‌های دانش‌بنیان را با بن‌بست مواجه کرده است. در این زمینه پیشنهاد می‌گردد دولت، اعتبارات لازم برای تأسیس پارک‌های علم و فناوری و تجهیز امکانات را مدنظر قرار دهد.

- وجود فرهنگ پیمانکار سالاری در تعاملات فنی و مالی با شرکت‌های خارجی و کارفرما سالاری در این تعاملات با شرکت‌های داخلی از معضلات جدی این بازار غیرآزاد دولتی و شبه‌دولتی بوده که علاوه بر افزایش وابستگی فناورانه به بیگانه موجب سرخوردگی افراد خلاق نیز می‌شود. متأسفانه شکست و سرخوردگی این شرکت‌ها در این مرحله از کارآفرینی فناورانه زمینه‌ساز مهاجرت‌های تیمی و شرکتی است در این زمینه پیشنهاد می‌گردد سازوکار لازم جهت استقلال کاری شرکت‌های داخلی و حمایت از افراد خلاق فراهم گردد.

- همواره مشکلات و خطراتی چرخه خلق ایده تا حصول نتیجه از ایده کشور را تهدید می‌کند، توزیع مدیریت و منابع در حوزه علم و فناوری در کشور و نبود یک مرجع

برنامه ریز و البته پاسخگو حل مشکلات فوق الذکر را بیش از پیش سخت تر می کند. در این راستا پیشنهاد می گردد مرجعیت مناسب برای پاسخگویی در این زمینه پیش بینی و معرفی گردد.

منابع و مأخذ

- Adams, J. L. (2001). Conceptual blockbusting: A guide to better ideas (4th Edition). Basik Books. Agencia Nacional de Evaluaci' on de la Calidad y Acreditaci' on [The National Agency of Evaluation of Quality and Accreditation, Spain]. (2005). Libro blanco. T í tulo de grado en magisterio, 1. ANECA. Vol.n https://educacion.uah.es/facultad/documentos/libroblanco_jun05_magisterio1.pdf.
- Alencar, E. Fleith, D. S.de, & Pereira, N. (2017). Creativity in higher education: Challenges and facilitating factors. Temas Em Psicologia, 25(2), 553 – 561. <https://doi.org/10.9788/TP2017.2-09>
- Alfonso-Benlliure, V. Motos Teruel, T. & Lee Fields, D. (2021). Is it true that young drama practitioners are more creative and have a higher emotional intelligence? Thinking Skills and Creativity, 39, Article 100788. <https://doi.org/10.1016/j.tsc.2021.100788>
- Amabile, T. M. (2019). Creativity in context: Update to the social psychology of creativity (eBook). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780429501234>
- Amabile, T. M. & Pillemer, J. (2012). Perspectives on the social psychology of creativity. The Journal of Creative Behavior, 46(1), 3 – 15. <https://doi.org/10.1002/jocb.001>
- Barnes, R. (2015). Teaching art to young children (3rd Edition). Routledge. Baumeister, R. F. Campbell, J. D. Krueger, J. I. & Vohs, K. D. (2003). Does high self-esteem cause better performance, interpersonal success, happiness, or healthier lifestyles? Psychological Science in the Public Interest, 4(1), 1 – 44. <https://doi.org/10.1111/1529-1006.01431>

- Buckley, B. & Conomos, J. (2010). Rethinking the contemporary art school: The artist, the PHD and the academy. Press of the Nova Scotia College of Art & Design.
- Burton, J. Horowitz, R. & Abeles, H. (1999). Learning in and through the arts: Curriculum implication. In E. Fiske (Ed.), *Champions of change: The impact of the arts of learning* (pp. 35 - 46). Arts Education Partnership.
- Cantero, M. J. Alfonso-Benlliure, V. & Melero, R. (2016). Creativity in middle childhood: Influence of perceived maternal sensitivity, self-esteem, and shyness. *Creativity Research Journal*, 28(1), 105 - 113. <https://doi.org/10.1080/10400419.2016.1125246>
- Carver, C. S. Scheier, M. F. & Fulford, D. (2008). Self-regulatory processes, stress, and coping. In O. P. John, R. W. Robins, & L. A. Pervin (Eds.), *Handbook of personality: Theory and research* (3rd ed). Guilford Press.
- Chacón-López, H. and A. Maeso-Broncano, Creative development, self-esteem and barriers to creativity in university students of education according to their participation in artistic activities. *Thinking Skills and Creativity*, 2023. 48: p. 101270.
- Chamorro-Premuzic, T. Reimers, S. Hsu, A. & Ahmetoglu, G. (2009). Who art thou? Personality predictors of artistic preferences in a large UK sample: The importance of openness. *British Journal of Psychology* (London, England: 1953), 100(Pt 3), 501 - 516.
- Charyton, C. Basham, K. M. & Elliott, J. O. (2008). Examining gender with general creativity and preferences for creative persons in college students within the sciences and the arts. *The Journal of Creative Behavior*, 42(3), 216 - 222. <https://doi.org/10.1002/j.2162-6057.2008.tb01296.x>
- Cohen, J. (1988). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. Lawrence Erlbaum Associates, Publishers.
- Corbalán, J. & Limón-Gras, R. (2010). The genie in a bottle. The CREA test, questions and creativity. Introduction to special theme 'The CREA test, creative intelligence. *Anales de Psicología*, 26, 197 - 205.
- Cotter, K. N. Pretz, J. E. & Kaufman, J. C. (2016). Applicant extracurricular involvement predicts creativity better than

- traditional admissions factors. *Psychology of Aesthetics, Creativity, and the Arts*, 10(1), 2 - 13. <https://doi.org/10.1037/a0039831>
- Da Costa, S. P´aez, D. S´anchez, F. Garaigordobil, M. & Gondim, S. (2015). Personal factors of creativity: A second order meta-analysis. *Journal of Work and Organizational Psychology*, 31(3), 165 - 173. <https://doi.org/10.1016/j.rpto.2015.06.002>
- David, A. P. Morais, M. de, F. Primi, R. & Miguel, F. K. (2014). Met´aforas e pensamento divergente: Criatividade, escolaridade e desempenho em artes e tecnologias. *Avaliação Psicológica: Interamerican Journal of Psychological Assessment*, 13(2), 147 - 156.
- De Backer, F. Lombaerts, K. De Mente, T. Buffel, T. & Elias, W. (2012). Creativity in artistic education: Introducing artists into primary schools. *International Journal of Art & Design Education*, 31(1), 53 - 66. <https://doi.org/10.1111/j.1476-8070.2012.01715.x>
- Deng, X. & Zhang, X. K. (2011). Understanding the relationship between self-esteem and creativity: A meta-analysis. *Advances in Psychological Science*, 19, 645 - 651. <https://doi.org/10.3724/SP.J.1042.2011.00645>
- Eisenberger, R. & Aselage, J. (2009). Incremental effects of reward on experienced performance pressure: Positive outcomes for intrinsic interest and creativity. *Journal of Organizational Behavior*, 30(1), 95 - 117. <https://doi.org/10.1002/job.543>
- Elisondo, R. C. Soroa, G. & Flores, B. (2022). Leisure activities, creative actions and emotional creativity. *Thinking Skills and Creativity*, 45, Article 101060. <https://doi.org/10.1016/j.tsc.2022.101060>
- Fern´andez-Díaz, J. R. Guti´errez-Ortega, M. Llamas-Salguero, F. & Cant´on-Mayo, I. (2021). Creativity and resilience as predictors of career success. *Sustainability*, 13 (8), 4489. <https://doi.org/10.3390/su13084489>

- Gardner, H. (2011). *Educación artística y desarrollo humano* (F. M. Ortí, Trans). Paidós.
- Ghaffari, K. (2015). The effect of teacher creativity in self-esteem of beginner EFL learners. *Modern Journal of Language Teaching Methods*, 5(1), 100 – 102.
- Gibson, R. (2010). The ‘art’ of creative teaching: Implications for higher education. *Teaching in Higher Education*, 15(5), 607 – 613. <https://doi.org/10.1080/13562517.2010.493349>
- Goldsmith, R. E. & Matherly, T. A. (2012). Creativity and self-esteem: A multiple operationalization validity study. *The Journal of Psychology*, 122(1), 47 – 56. <https://doi.org/10.1080/00223980.1988.10542942>
- Gralewski, J. & Karwowski, M. (2013). Polite girls and creative boys? Students’ gender moderates accuracy of teachers’ ratings of creativity. *The Journal of Creative Behavior*, 47(4), 290 – 304. <https://doi.org/10.1002/jocb.36>
- Hallam, Dr. J. Gallagher, Mrs. L. & Owen, Dr. K. (2022). Im not the best at art” : An exploration of children’ s growing sense of artistry within an outdoor, arts-based intervention. *Thinking Skills and Creativity*, 44, Article 101038. <https://doi.org/10.1016/j.tsc.2022.101038>
- Hetland, L. Winner, E. Veenema, S. & Sheridan, K. M. (2015). *Studio thinking 2: The real benefits of visual arts education* (2nd Edition). Teachers College Press.
- Hilal, M. H. H. Husin, W. N. I. & Zayed, T. M. (2013). Barriers to creativity among students of selected universities in Malaysia. *International Journal of Applied Science and Technology*, 3(6), 51 – 60.
- Jackson, N. (2006). Imagining a different world. In N. Jackson, M. Oliver, M. Shaw, & J. Wisdom (Eds.), *Developing creativity in higher education. An imaginative curriculum*. Routledge.
- Johnson, W.R. (2022), "Bias in Creative Adoption Decision Points: Why Receivers Hinder the Creativity - Innovation Process", Cattani, G. Deichmann, D. and Ferriani, S. (Ed.) *The Generation, Recognition and Legitimation of Novelty* (Research in the

- Sociology of Organizations, Vol. 77), Emerald Publishing Limited, Bingley, pp. 205-228. <https://doi.org/10.1108/S0733-558X20220000077016>
- Jørgensen, U. Brodersen, S. Lindegaard, H. & Boelskifte, P. (2011). Foundations for a new type of design engineers—Experiences from DTU. In ICED 11 - 18th international conference on engineering design - Impacting society through engineering design (pp. 275 - 286). <http://www.scopus.com/inward/record.url?scp=84858807585&partnerID=8YFLogxK>.
- Juhl, J. & Buch, A. (2019). Transforming academia: The role of education. *Educational Philosophy and Theory*, 51(8), 803 - 814. <https://doi.org/10.1080/00131857.2018.1508996>
- Kamak, A. Auelbekov, E. Zhumabekova, F. Zhiyentayeva, B. & Mandykaeva, A. (2017). Creative development of junior school students in the process of fine art training. *Journal of Entrepreneurship Education*, 20(3), 1 - 7.
- Karwowski, M. Jankowska, D. M. Brzeski, A. Czerwonka, M. Gajda, A. Lebeda, I. & Beghetto, R. A. (2020). Delving into creativity and learning. *Creativity Research Journal*, 32(1), 4 - 16. <https://doi.org/10.1080/10400419.2020.1712165>
- Kazerounian, K. & Foley, S. (2007). Barriers to creativity in engineering education: A study of instructors and students perceptions. *Journal of Mechanical Design*, 129 (7), 761 - 768. <https://doi.org/10.1115/1.2739569>
- Mareque ´ Alvarez-Santullano, M. & de Prada-Creo, E. (2018). Evaluaci´on de las competencias profesionales a trav´es de las pr´acticas externas: Incidencia de la creatividad. *Revista de Investigaci´on Educativa*, 36(1), 203 - 219. <https://doi.org/10.6018/rie.36.1.275651>
- Mareque, M. de Prada-Creo, E. & Gonzalez-Sanchez, M. B. (2019). Fostering creativity and communicative soft skills through leisure activities in management studies. *Education+ Training*, 61(1), 94 - 107. <https://doi.org/10.1108/ET-07-2018-0149>

- Morais, M. de, F. & Almeida, L. S. (2015). Percepções de obstáculos à criatividade em universitários de diferentes áreas curriculares e níveis de graduação || Perceptions of obstacles to creativity with university students from different subject areas and grade levels. *Revista de Estudos e Investigações em Psicologia y Educación*, 2 (2), 122 - 129.
- Mohammadi Akram, (1402) Barriers to the development of creativity from the perspective of students, 18th International Conference on Management, Economy and Development <https://civilica.com/doc/1768696/>
- Morais, M.de F. Almeida, L.S.Azevedo, I. Alencar, E. & Fleith, D. (2014a). Inventory of barriers to personal creativity: A validation study involving university students. In Z. Bekirogullari & M. Y. Minas (Eds.), *Cognitive—Social, and behavioural sciences - icCSBs 2014*, vol 1. European Proceedings of Social and Behavioural Sciences: Vol. Cognitive-Social, and Behavioural Sciences - icCSBs 2014 (pp. 135 - 145). Future Academy.
- Nakano, T. de, C. Oliveira, K. da, S. & Zaia, P. (2021). Gender differences in creativity: A systematic literature review. In *Psicologia: Teoria e pesquisa*, 37. <https://doi.org/10.1590/0102.3772e372116>
- Nordin, N. & Malik, M. (2015). Undergraduates' barriers to creative thought and innovative in a new millennial era. In, 201. *Procedia - social and behavioral sciences* (pp. 93 - 101). <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.08.136>
- Ozga, W. K. & Cudo, A. (2022). Exploring factors that differentiate art and non-art high school students. *The Journal of Creative Behavior*, 56(1), 6 - 15. <https://doi.org/10.1002/jocb.508>
- Pagnani, A. R. Runco, M. & Pritzker, S. (2011). Gender differences. In *Encyclopedia of creativity* (2nd Edition, 1 pp. 551 - 557). Elsevier. <https://www.sciencedirect.com/topics/agricultural-and-biological-sciences/gender-differences>.
- Powers, A. (2018). Creativity is the skill of the future. *Forbes*. Retrieved 11 August 2022, from

- [https://www.forbes.com/sites/annapowers/2018/04/30/creativity-isthe-skill-of-the-future./](https://www.forbes.com/sites/annapowers/2018/04/30/creativity-isthe-skill-of-the-future/)
- Rahmani, Fatemeh and Asghari Nikah, Seyed Mohsen and Baghgoli, Hossein, 1402, investigating the relationship between personal barriers to creativity and the level of emptiness of preschool teachers in Mashhad, 8th International Congress of Psychological and Educational Sciences, Tehran, <https://civilica.com/doc/1747530>(in persian)
- Rosenberg, M. (1965). Society and the adolescent self-image. Princeton University Press.
- Runco, M. A. & Jaeger, G. J. (2012). The standard definition of creativity. *Creativity Research Journal*, 24(1), 92 - 96. <https://doi.org/10.1080/10400419.2012.650092>
- Sadi, M. A. & Al-Dubaisi, A. H. (2008). Barriers to organizational creativity: The marketing executives' perspective in Saudi Arabia. *Journal of Management Development*, 27(6), 574 - 599. <https://doi.org/10.1108/02621710810877839>
- Sol'e, L. Sole-Coromina, L. & Poole, S. E. (2020). Mind the gap: Identifying barriers to students engaging in creative practices in higher education. *Journal of Work- Applied Management*, 12(2), 207 - 220. <https://doi.org/10.1108/JWAM-03-2020-0017>
- Sowden, P. T. Clements, L. Redlich, C. & Lewis, C. (2015). Improvisation facilitates divergent thinking and creativity: Realizing a benefit of primary school arts education. *Psychology of Aesthetics, Creativity, and the Arts*, 9(2), 128 - 138. <https://doi.org/10.1037/aca0000018>
- Sternberg, R. J. (2005). Creativity or creativities? *International Journal of Human-Computer Studies*, 63(4), 370 - 382. <https://doi.org/10.1016/j.ijhcs.2005.04.003>
- Sunley, R. Harding, L. & Jones, J. (2019). Realising creativity in management education: Putting student energy into action. *The International Journal of Management Education*, 17(2), 172 - 181. <https://doi.org/10.1016/j.ijme.2019.02.007>
- Talavera, M. Hurtado, A. Domenech, J. & Martin-Baena, D. (2015). Valoraci' on de la creatividad grupal y barreras del pensamiento creativo en universitarios [Assessment of group creativity and

- barriers to creative thinking among university students]. *Journal of Learning Styles*, 8, 70.
- Taylor, C. L. & Barbot, B. (2021). Gender differences in creativity: Examining the greater male variability hypothesis in different domains and tasks. *Personality and Individual Differences*, 174, Article 110661. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2021.110661>
- Thatcher, S. M. B. & Brown, S. A. (2010). Individual creativity in teams: The importance of communication media mix. *Decision Support Systems*, 49(3), 290 - 300. <https://doi.org/10.1016/j.dss.2010.03.004>
- Wang, Y. & Wang, L. (2016). Self-construal and creativity: The moderator effect of self-esteem. *Personality and Individual Differences*, 99, 184 - 189. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2016.04.086>
- Winner, E. Goldstein, T. R. & Vincent-Lancrin, S. (2013). Art for art's sake? The impact of arts education: Educational research and innovation. Organisation for Economic Cooperation & Development.
- Wright, S. (2010). Understanding creativity in early childhood: Meaning-making and children's drawing. Sage. <https://doi.org/10.4135/9781446251447>
- Yates, E. & Szenasi, J. (2021). Engaging the local community in cultural heritage through a children's ceramic arts exhibition. In J. M. Salvador, & A. Pazos (Eds.), *The museum for all people. Proposals for accessibility and social inclusion in the XXI century*. Peter Lang. <http://hdl.handle.net/10545/625651>.
- Zhang, L. & Sternberg, R. J. (2011). Revisiting the investment theory of creativity. *Creativity Research Journal*, 23(3), 229 - 238. <https://doi.org/10.1080/10400419.2011.595974>